

نوری که خداوند به ما عطا کرده در خانه پنهان  
نکنیم

نوری که خداوند به ما عطا کرده در خانه پنهان  
نکنیم



مطلبی که میخوانید از نامه دوم پولس به تیموتائوس باب ۲ آیه ۲ است. پولس در این نامه می گوید: آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی به مردمان امینی بسپار که از عهده آموزش دیگران نیز برآیند.

همه ما ایمانداران در مسیح عیسی به این موضوع ایمان داریم که خداوند ما را فراخواند تا در فیض عیسی مسیح فرزند او باشیم. هنگامی که ما درگیر زندگی روزمره خود بودیم و در جهت تحقق اهدافمان با مشکلات دست و پنجه نرم می کردیم خداوند با قلب ما صحبت کرد و گفت: به دنبال چه چیزی هستی؟

من آفریننده تو هستم، من تو را پاک آفریدم. من تو را آفریدم که من را بشناسی، اما تو گناه کرده و خود را از من جدا کردی ولی من به خاطر گناهان تو جسم پوشیدم و چون تو را دوست دارم بار گناهان تو را به دوش کشیدم و به خاطر گناهان تو من مردم. من نمیخواهم که تومحکوم شوی، من میخواهم به تو زندگی ببخشم. من گناهان تو را میبخشم و به تو زندگی جاودان خواهم بخشید. به من تکیه کن.

و همه ما ایمانداران بعد از شنیدن این نوای زیبا در قلبمان دعوت او را پذیرفتیم و در قلبمان را به روی او باز کردیم و زانو زده و با ایمان به این نوای دل انگیز توبه کردیم و از این موضوع خوشحال شدیم و احساس موفقیت و پیروزی عظیمی وجودمان را دربر گرفت. چون خود را فردی نجات یافته دیدیم، ولی میخواهم بپرسم که این احساس شور و هیجانی که آن روزی که ما در پیشگاه خداوند زانو زده و ایمان آوردیم تا کی همراه ما بود؟ برای پرورش و رشد این احساس چقدر تلاش کردیم؟ برای اینکه دیگران هم از این نجات بهره مند شوند چه کردیم تا آنها هم طعم شیرین آن را بچشند؟ آیا وقتی که عیسی مسیح گفت که من به خاطر تو و به خاطر گناهان تو و به خاطر نجات تو روی صلیب رفتم این موضوع را کاملا درک کردیم؟ آیا با تمام وجود توانستیم لمس کنیم که عیسی مسیح به خاطر نجات ما متحمل چه درد و رنج عظیمی شد، و آیا حاضریم ما هم به خاطر نجات دیگران متحمل این درد و رنج و سختی شویم؟

اگر پاسخ ما به این سوالات آمین است پس باید تلاش کنیم تا در ابتدا شاگردان خوبی برای عیسی مسیح باشیم، شاگردانی غیور، تیزهوش، استوار، ثابت قدم و وفادار. کتابی می خواندم که در آن نویسنده خادم خداوند را اینگونه معرفی می کرد: با اینکه خانمی با جثه ای ریز بود ولی در خداوند غولی بود.

تمامی آرزوهای ما در هر مقطعی برای آن است که در خوشبختی زندگی کنیم. می خواهیم در همه چیز احساس رضایتمندی را کسب کنیم. در هر کاری که انجام می دهیم به دنبال بهترین رضایتمندی هستیم، در تحصیل، در شغل، خانواده، سرگرمی و حتی استراحت به دنبال بهترین رضایتمندی هستیم. اما در مورد اهداف و آرزوهای ایمانی و روحانیمان چطور؟ ما وقتی که قلبمان را به عیسی مسیح می سپاریم خیلی مشتاق هستیم که به نهایت رشد و کمال در ایمانمان برسیم و گرسنگی روحانی عجیبی وجود ما را در بر میگیرد و می خواهیم بهترین ایمان دار در کلیسا باشیم. این خیلی خوب است چون که عیسی مسیح در آئینه کاری که هنرمندانه خلق می کند فقط به دنبال آئینه هست، آئینه ای مرغوب که منعکس کننده جلال خداوند باشد. عیسی مسیح به دنبال شیشه نیست که نور و جلال خداوند را از خودش عبور دهد.

اما وقتی که مدتی از ایمانمان می گذرد عده ای دچار روز مرگی در ایمانمان می شویم. مانند کسی که در یک باشگاه جدید و یا یک شغل جدید وارد شده و روزهای اول پر از انرژی، ایده و شور و هیجان است ولی بعد از مدتی دچار خستگی و کسلی و تنبلی می شود. دیگر با انرژی و آن شور و هیجان اولیه در آنجا حاضر نمی شود و مدام نگاهش به ساعت است که کی وقت می گذرد و از آنجا خارج می شود.

این روزمرگی ممکن است به خاطر عوامل مختلفی ایجاد شود ولی به نظر من بهترین آنها این است که ما هدف و آرزوی روحانی درست و محکمی نداریم چرا که اگر هدف و آرزوی روحانی قوی ای داشته باشیم دیگر متحمل ناامیدی و شکست نخواهیم شد و روزمرگی به سراغ ما نخواهد آمد.

مواقعی هست که در زندگی روحانی ما اتفاقاتی می افتند که ما را کاملاً شکه می کنند و می پرسیم خدایا چرا این اتفاق برای من افتاد؟ من که فقط در راه خدمت به کلیسا و رشد ایمانم در تلاش بودم. من که سعی در دزدی از کسی نداشتم که این اتفاق برای من افتاد؟! این نقطه دقیقاً همان جایی است که نباید ناامید شویم و دست از هدف و آرزوی روحانیمان بکشیم. درست است که لحظه سختی است ولی این لحظه نیامده است که بماند، این لحظه آمده است تا بگذرد و ما را در ایمان و هدفمان قوی سازد.

شاگرد خوب بودن و شبیه خداوند بودن و به پری او رسیدن تصویر شگفت انگیز و مبهم و دور از دسترسی نیست که برای افراد خاصی باشد و فقط عده معدودی از آن بهره مند باشند. بلکه عطائی است که در وجود همه ما وجود دارد. بسیار مهم است که ایمان داشته باشیم که خداوند ما را کاملاً شبیه خودش آفرید.

بسیاری از ما در ابتدای ایمانمان اهداف و آرزوهای روحانی بزرگی داریم اما به این اهداف نمی پردازیم زیرا می ترسیم، ترس از شکست و ترس از عدم موفقیت. هنگامی که خداوند موسی را برای نجات قوم اسرائیل فراخواند، موسی گفت: من هیچ وقت سخنران خوبی نبودم، اگر به حرف های من گوش ندهند چه؟

در ابتدای ایمانمان در مورد همه واعظان، معلمان و ایمانداران قوی در اطرافمان تحقیق می کنیم و کلی وقت صرف میکنیم تا آنها را بشناسیم و می خواهیم مانند آنها شویم، ولی وقتی که می خواهیم در این مسیر گام برداریم شیطان با تمام وجود در ما کار می کند و می گوئیم: نه، اون آدم یه چیز دیگست، من نمیتونم مثل اون بشم، اصلاً ول کن دنبال دردرس میگردی این همه آدم مگه ما چنتا معلم و واعظ و خادم می خوایم و سریعاً هدف روحانیمان را کنار می گذاریم. اما افرادی که هدف روحانی قوی ای دارند و به دنبال هدفشان جسور و شکست ناپذیر هستند در ایمانشان موفق می باشند و افرادی هستند که در ملکوت خداوند حاضر خواهند بود و به زندگی جاودان در حضور خداوند دست خواهند یافت. عیسی مسیح ما را فراخواند تا شاگرد او باشیم و با استفاده از تعالیمش در زندگی روحانی و زمینی خود موفق باشیم.

وقتی که ما هدف و آرزوی روحانی قوی ای داشته باشیم و در ایمان به عیسی مسیح گرم باشیم شاگرد خوبی هم خواهیم بود. عیسی مسیح می خواهد که ما شاگردانی ممتاز و نمونه باشیم و با استفاده از تعالیمش صیاد دل ها گردیم. عیسی مسیح به پطرس در ابتدا لذت صید ماهی را چشاند و بعد او را برای

صید دل ها دعوت کرد. عیسی مسیح به ما هم اول لذت ایمان را چشاند و بعد ما را برای شاگردی فرا خواند تا در ملکوت هم با او مشارکت داشته باشیم، پس این مهم بر ما است که در این فرا خوانی استوار و ثابت قدم باشیم.

بسیاری از ما ایمانداران در زندگی ایمانیمان فقط وظیفه خود می دانیم که به کلیسا برویم و درصدی از درآمدمان را به کلیسا کمک کنیم و در دعاها ایمان هم بگوئیم خدایا شکر تو به خاطر این برکت و آن برکت و خدایا شکر تو به خاطر اینکه من را نجات دادی و بعد هم برای تزیین احساساتمان به ملکوت فریاد میزنیم خدایا خیلی دوستت دارم و انتظار داریم که چون یک ایماندار هستیم متحمل هیچ درد و رنج و زحمتی نشویم و خیلی هم ثروتمند باشیم و بعد از پایان دوره زندگی زمینی به وسیله مرگی آرام و ترجیحا در خواب بدون هیچ دردی به ملکوت برویم و فریاد بکشیم اوه هلولویاه خداوند ممنونم که من را نجات دادی و الان در ملکوت هستم. ببخشید خداوند من فرماندار کدام قسمت ملکوت هستم؟

یک واعظ آمریکائی در یکی از موعظه هایش زندگی زمینی را به چوب موازنه در ورزش ژیمناستیک تشبیه کرد و ایمانداران را به ورزشکار روی این چوب. (چوب موازنه معمولا از جنس فلز هست که روکشی از جنس چرم یا جیر دارد و مدت زمانی که ورزشکار میتواند روی آن حرکات ورزشی را انجام دهد یک دقیقه و سی ثانیه است و فقط هم توسط بانوان انجام می شود).

بیائیم تصور کنیم که ما داریم مسابقات المپیک را نگاه می کنیم و ورزشکار می آید روی این چوب و بعد از اینکه روی چوب قرار گرفت آرام دستانش را روی چوب بگذارد و کم کم روی چوب دراز بکشد و بعد آن را محکم بغل کند. بعد از گذشت یک دقیقه و سی ثانیه خیلی آرام از چوب پائین بیاید و بعد وقتی کاملا اطمینان پیدا کرد که پاهایش را روی زمین گذاشته و دیگر روی چوب نیست دستانش را به سمت تماشاگران بالا ببرد و از این که از چوب پائین نیافتاده یا سر نخورده خوشحالی کند. در آن لحظه اتفاقی که می افتد این است که ورزشکار احساس شادی و خرسندی می کند، چون از چوب پائین نیافتاده و پاهایش تلغزیده و امتیاز منفی نگرفته، اتفاق دیگر این که قاضی یا همان داور کاملا شوکه شده و نمی داند در کارت مخصوص امتیاز چه چیزی را باید ثبت کند چون آن ورزشکار کاری نکرده.

وقتی ما هم دو دستی چوب موازنه که همان زندگی ایمانی و روحانی ما است را بچسبیم و بعد از تمام شدن وقتمان پائین بیاییم قاضی به ما نمیگوید آفرین چون تو امنترین و بی شکست ترین زندگی ممکن را زیست کردی، نه سر خوردی و نه افتادی. این آن زندگی ای نیست که خداوند ما را بدان فرا خوانده.

خداوند ما را فرا خوانده که اول این که در ایمانمان شاگرد ممتازی باشیم و بتوانیم به بالاترین مدارج روحانی دست بیاییم و از شکست خوردن و افتادن نترسیم و بعد بتوانیم بهترین شاگردان را پرورش

ممکن است ما شکایت کنیم که فعلا در شرایط خوبی نیستیم و فعلا نمی توانم اما این ها همان بهانه های ترس از شکست است. اگر آرزوها و هدف های روحانی بزرگ و قوی ای داشته باشیم قطعا هیچ مشکلی جلودار ما نخواهد بود، اگر در ایمان به عیسی مسیح هر روزه گرم باشیم گوش های ما برای شنیدن زمزمه های شیطان بسته خواهد بود، باید بدانیم که بدترین شرایط که ممکن است ما در آن قرار داشته باشیم برای خیلی ها آرزو است. در کتاب مرد آسمانی که سرگذشت زندگی برادر یون هست می خوانیم که برادر یون برای این که در فضای بسته چین بتواند یک کتاب مقدس را فقط ببیند، نه این که لمس کند یا بخواند مدت سه ماه در روزه و دعا بود. بعد از گذشت سه ماه که خانواده اش فکر می کردند که او دیوانه شده، خداوند به او یک کتاب مقدس داد. این شرایطی بود که برادر یون در آن قرار داشت و در این شرایط خادم غیور خداوند شد.

وقتی با ایمان قوی و محکم برای رسیدن به اهدافمان به نزد خداوند برویم خداوند بیشتر از آن چیزی که در ذهنمان است به ما عطا خواهد کرد چون که خداوند ما وقتی از او نان خواهیم سنگ در دستان ما نمی گذارد. فقط کافی است که از خداوند خواهیم که ما را در این هدف بزرگ روحانی استوار و ثابت قدم کند.

یکی از سوالاتی که اکثرا برای به چالش کشیدن ما ایمانداران در مسیح ممکن است پرسند این است، که چرا خداوند نجات را فقط مخصوص ما قرار داده، تکلیف افرادی که در جاهای دیگر هستند و این پیام خوش را نشنیده اند چیست؟ این جاست که عزیزان وظیفه خطیر و مهم ما روشن می شود. زیرا که این وظیفه ایمانی ما است که خود را با آن قدرتی که عیسی مسیح به ما می بخشد تقویت نماییم و طبق نامه دوم پولس به تیموتائوس در باب ۲، آیه ۲، تعالیمی را که کسب کرده ایم به دیگران بسپاریم، تا آنها هم این تعالیم را به دیگران تعلیم دهند. شاید در قدم اول این کار دشوار به نظر برسد و به خود بگوییم که این کار من نیست و یا ممکن است که دیگران به حرف های من گوش ندهند و یا اشخاص بهتر از من هستند که این کار را انجام دهند، ولی با ایمان راستین به عیسی مسیح و ساختن یک هدف و آرزوی روحانی قوی حتما از عهده اش بر خواهیم آمد. فقط کافی است که در جهت هدفمان اولین قدم را برداریم، چرا که اگر در راهی که عیسی مسیح نور آن است قدم برداریم و از افتادن نترسیم حتما خواهیم رسید و به یقین در این مسیر کاملتر خواهیم شد.

اگر همه چیز را پای صلیب عیسی مسیح بریزیم دیگر هیچ مانعی برای رسیدن به هدفمان وجود ندارد. چرا که کوله باری که ما بر دوش حمل میکنیم مانع ما می شود، کوله باری پر از ترس از عدم موفقیت، خود کم بینی و اسارت هایی مانند ثروت، تفریح و ... بیاید همگی یک دل به این موضوع ایمان بیاوریم که دعوت آفریننده جهان از ما برای پرستشی دوردور با کلماتی تهی و انجام مراسمی مذهبی نیست، بلکه

برای ورود به رابطه ای چنان صمیمی و عمیق که بتوانیم قلب یکدیگر را بشناسیم. بیاییم گرسنگی روحانی خود را که در روزهای اول داشتیم حفظ کنیم و در جهت تعلیم دیدن قدم برداریم، با تمامی دل، فکر و جان تعلیمی پویا ببینیم تا خبر خوش خداوند را که سرشار از محبت است به دیگران منتقل کنیم و آن ها را تعلیم داده، تا آن ها هم به دیگران تعلیم دهند. نگذاریم اسارت های دنیایی، ما را از این مهم باز دارد.

بیاییم برای لحظه ای تمام دارایی این دنیا را تصور کنیم، تمام طلاها، فلزات گران بها، سنگ های گران قیمت، و تمامی اسکناس های دنیا. طبق یک تحقیق، تخمین زده شد که سود ناخالص جهان در سال تقریباً برابر با ۳۶ تریلیون دلار آمریکاست که ثروت عظیمی است. حالا عیسی مسیح به ما میگوید کسی که زندگی خود را با تمام ثروت این جهان عوض کند معامله بدی کرده است. پس بیاییم یک دل اسارت های دنیوی خود را پای صلیب عیسی مسیح بریزیم و در جهت هدف روحانی عظیمی که خداوند ما را برآن داشته استوار و محکم و با ایمانی راسخ قدم برداریم.

برگرفته از سایت مرکز پژوهشهای مسیحی